

متعددی را مورد نظر قرار گرفت. منابع مختلفی و سازوکارهای مختلف باید مدنظر قرار گیرند. اما می توان با برنامه ریزی، فقرا را توانمند کرد و شاخص های توسعه سلامت اجتماعی را در بین فقرا افزایش دهیم.

ایجاد بانک اطلاعاتی از کودکان کار تا چه اندازه ضرورت دارد؟

وجود این بانک اطلاعاتی بسیار ضروری است که متأسفانه ما فاقد آن هستیم. این بانک اطلاعات باید جامع باشد و تنها شامل آمار این کودکان نباشد. قوانین مختلف داخلی و خارجی، تفاهم نامه و معاهدات بین المللی، مؤسسات ارائه دهنده خدمات اجتماعی، مستندات فعالیت های انجام شده و غیره را در دل خود داشته باشد.

از این طریق برنامه ریزی مطابقت بیشتری با واقعیت خواهد داشت و در نتیجه کارآمدی این برنامه ریزی بیشتر خواهد شد.

سازمان بهزیستی هم آمادگی خود را برای همکاری با کسانی که بتوانند این بانک اطلاعاتی را راه اندازی کنند، اعلام می کند.

سازمان بهزیستی چه اهدافی را از راه اندازی خط تلفن ۱۲۳ دنبال کرده و رویکرد اصلی آن چیست؟

رویکرد مهم آن برنامه این است که ما بتوانیم مداخلات روانی اجتماعی را در مرحله اول قبل از مداخلات قضایی و انتظامی و در مرحله دوم حین و حتی پس از مداخلات قضایی انتظامی انجام دهیم. طبیعی است که اگر برای کودکی پرونده ای تشکیل نشود، راحت تر می توان او را بازتوان کرد، یا او را به جامعه و خانواده بازگرداند. راحت تر او را ساماندهی کرد.

در حقیقت وظیفه اصلی اورژانس اجتماعی این است که می خواهد جایگزینی مداخلات روانی و اجتماعی را قبل از مداخلات قضایی و انتظامی و حین و بعد از مداخلات در کشور نهادینه کند.

بنابراین هرکس که نیاز به خدمات اجتماعی داشته باشد، دسترسی به این خدمات نباید محدودیت زمانی و مکانی داشته باشد. این شعار، شعار بزرگ و مهمی است. در واقع یکی از شعارهای این طرح، پیشگیری از جرم است. دیگر تخم مرغ دزد ما شتر دزد نخواهد شد. چون اگر برای کسی پرونده قضایی تشکیل شود، از بسیاری حقوق خود محروم می شود. کودک خیابانی که با عنوان کودک فراری بگیرند و با دستبند، تحویل خانواده اش بدهند، دیگر آن کودک خودش را کمتر باور دارد، خانواده او را کمتر باور می کند و همسایه و جامعه نیز او را کمتر باور می کند.

تجربه ما نشان داد در آنجا که از طریق خانواده مداخله انجام شد، قبل از آنکه پرونده ای تشکیل شود، موفقیت ما بیش از زمانی بود که پرونده قضایی برای کودک خیابانی که از منزل فرار کرده است و از

طریق واحدهای قضایی تحویل مراکز سازمان بهزیستی می شوند و ساماندهی و توانمندسازی او بسیار راحت تر است.

منتهی خدماتی که از طریق اورژانس اجتماعی ارائه می شود باید از سه ویژگی تخصصی بودن، در دسترس بودن، به موقع بودن برخوردار باشند. نوشداروی پس از مرگ سهراب نباشد.

اورژانس اجتماعی با ماشین هایی که قرار است خریداری شوند، به صورت شبانه روزی فعالیت خواهد کرد. خط ۱۲۳ در ۱۷ مرکز و ۱۶ استان فعال است و در بقیه استان ها هم فعال خواهد شد. این سیستم، سیستم مداخله روانی اجتماعی است و هرکسی در هر زمان که احساس کند نیاز به اورژانس اجتماعی دارد، می تواند از خدمات موجود استفاده کند.

لایحه اورژانس اجتماعی باید در مجلس تصویب شود چون فراخشی است و تنها مربوط به سازمان بهزیستی نیست و بسته ای که در حال حاضر در ایران وجود دارد، خاص ایران است و در هیچ کشور دیگری وجود ندارد.

در اصفهان و مشهد بر اساس امکانات موجود، این کار انجام می شود و باید این کار در کشور نهادینه و فراگیر شود. موارد کودک آزاری، همسر آزاری، طلاق، فرار از منزل، زنان و دختران آسیب دیده اجتماعی، کسانی که اقدام به خودکشی کرده اند، افراد دارای اختلال هویت جنسی یا "TS" و سایر افرادی که در شرایط بحرانی قرار گرفته اند، گروه های هدف مرکز اورژانس اجتماعی به شمار می آیند.

در این برنامه ویژگی مهم ارائه خدمات اجتماعی یعنی "تخصصی بودن"، "به موقع بودن" و "در دسترس بودن" مدنظر قرار گرفته است تا از این طریق، ارائه خدمات اجتماعی به مردم در سازمان بهزیستی کشور "محدود به زمان و مکان" نشود و "رویکرد فعال" جایگزین رویکرد غیرفعال شود و "اجتماع (جامعه) محوری" در برنامه ها عملیاتی شود. برنامه اورژانس اجتماعی در حرکت موفقیت آمیز خود به جلو، استفاده بهینه از منابع مادی و معنوی (نیروی انسانی)، کاهش دیوان سالاری اداری، تجمع خدمات، هماهنگی بین واحدها، جامعیت، فراگیری و... را در پی دارد.

این برنامه قصد دارد تا "مداخلات روانی اجتماعی" را قبل از "مداخلات قضایی و انتظامی" و حتی در کنار این نوع مداخلات جایگزین کند که این مسأله در "پیشگیری از وقوع جرم" و "فضازدایی" نیز نقش مهمی ایفا می کند.

"شناسایی آسیب های اجتماعی شایع و در حال شیوع" به صورت کشوری و منطقه ای و محلی نیز از طریق این برنامه صورت خواهد پذیرفت. در واقع این نوع مداخلات تأثیرگذاری "تئوری برچسب" را به حداقل خواهد رساند تا زمینه ای برای توانمندسازی افراد در معرض آسیب و آسیب دیده اجتماعی و بازگشت آنها به زندگی سالم باشد.

بیشتر در شهرهای بزرگ سیاحتی، زیارتی و اقتصادی مانند تهران، مشهد، قم، بندرعباس، فارس، سیستان و بلوچستان تعداد بیشتری از کودکان خیابانی وجود دارد.

یک گروه کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال هستند که در خیابان کار می کنند، طبق ماده ۷۹ قانون کار، کار کودک زیر ۱۵ سال ممنوع است اما اگر به ماده ۸۰ قانون کار استناد کنیم. می بینیم که از کارگر ۱۵ تا ۱۸ سال، به عنوان کارگر نوجوان یاد می کند.

حضور کودک در خیابان می تواند منجر به گرایش آنها به آسیب های اجتماعی شود، از آنها سوء استفاده هایی انجام می شود، اعضای بدن آنها به فروش برسد، به سیگار و مواد مخدر و سرقت و انواع جرایم روی می آورند.